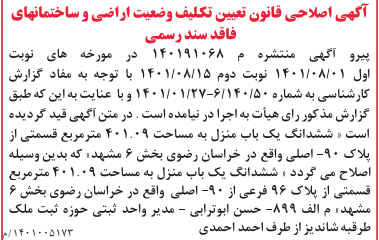




محمد رضا پهلوی در دیدار با حاکم بحرین در تهران



ویژه فجر چهل و چهارم

جدایی بحرین؛ میراث وطن فروشی شاه

چرا محمد رضا پهلوی در جریان جدایی جزایر بحرین از ایران، در راستای سیاست‌های انگلیس گام برداشت و هیچ واکنش مؤثری از خود بروز نداد؟

گروه تاریخ– هانری گرَین، فیلسوف برجسته فرانسوی و استاد فلسفه اسلامی در دانشگاه سوربن، در سال ۱۳۴۵ ش، اقدام به نگارش کتابی کرد که بحث آن مربوط به جریان حکمت در ایران معاصر بود؛ اما در فرازی از این کتاب، شاید با توجه به شرایط آن روزگار، چند خطی اضافه کرد که شایسته توجه و در خور تأمل است؛ گرَین نوشت: «باید در نظر گرفت که، رسماً ایران، مخصوصاً در این ایام کمتر، هیچ گاه از حق مالکیت خود در بحرین صرف نظر نکرده است و آن را جزو لاینفک خاک خود می‌داند». اشاره گرَین به قضیه بحرین، آن هم در یک متن فلسفی که هیچ ربطی به فضای سیاسی ندارد و از محتوای کاملاً علمی بر خوردار است، نشان می‌دهد که در دهه ۱۳۴۰، ماجرای بحرین و قصد انگلیسی‌ها برای جدا کردن آن از ایران و البته چراغ سبز محمد رضا پهلوی به این طرح، آن قدر در غرب بحث‌انگیز شده بود که حتی فیلسوفی مانند هانری گرَین هم به آن توجه نشان می‌داد.

■ **سابقه حاکمیت ایران بر بحرین**

حاکمیت ایران بر بحرین، به دور ان پیش از ظهور اسلام بازمی‌گردد. بحرین در دوره هخامنشیان، «گرا» و در عصر ساسانی، «شماهیк» خوانده می‌شد. پس از ظهور دین اسلام و ورود آن به ایران نیز، بحرین همچنان متعلق به حکومت‌های ایرانی بود؛ به طوری که این موضوع را می‌توان در کتاب‌ها و منابع مورخان مسلمان مشاهده کرد. به گزارش پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، حمدا... مستوفی، در «نزهة القلوب»، ضمن تشریح و نام بردن از مناطق مختلف ایران، از جزایر بحرین نیز نام می‌برد و در فارس نامه می‌نویسد: «جزایری که در بحر فارس است از جزایر... [ایالت] فارس شمرده‌اند و بزرگ‌ترین آن‌ها از کثرت مردم و نعمت، جزایر کیش و بحرین است. اکنون جزیره بحرین جزو فارس است و از ملک ایران.» در سده ۱۶ میلادی، هنگام آمدن اروپاییان به خلیج فارس، بحرین تابع هرمز و خراج گزار حاکم آن بود. پرتغالی‌ها پس از جنگ انداختن بر هرمز، توانستند بحرین را هم اشغال کنند. شاه عباس اول، پس از خاتمه دادن به غائله‌های داخلی، با کمک کشتی‌های هند شرقی انگلیس، موفق شد پرتغالی‌ها را در سال ۱۶۰۲ م، از بحرین بیرون کند. دولت ایران پس از آزادسازی بحرین، جزیره هرمز را مرکز دادرستد قرار داد. در اواخر دوره صفویه، هلندی‌ها نیز، به عنوان قبیعی بر قدرت در منطقه خلیج فارس فعال شدند و با انگلیسی‌ها به رقابت پرداختند. سقوط صفویه، موجب پیرشانی امور سیاسی جنوب ایران و شکل‌گیری حاکمیت‌های محلی و استقرار قبایل مختلف عرب در سواحل ایران شد. عرب‌های هوله، از جمله این قبایل بودند که توانستند از این فرصت استفاده و بحرین را به مدت چند سال، اشغال کنند. با به قدرت رسیدن، نادر شاه اقدامات گسترده او در سرکوب قدرت‌های محلی، اوضاع خلیج فارس دگرگون شد. نادر شاه، به حاکم فارس دستور داد تا به بحرین لشکر کشی کند و با آن هلندی‌ها از کمک کردن به ایران خودداری کردند، نیروهای ایرانی توانستند این منطقه را آزاد کنند و آن را به ایران بازگردانند و فرماند نیروهای ایرانی، کلید قلعه‌های بحرین را نزد نادر شاه فرستاد. در سال ۱۷۸۳ م که ایران گرفتار جنگ‌های داخلی وزد و خوردهای خونین جانشینان کریم خان زند با یکدیگر بود، اعراب قبیله عتوب، مقیم شبه جزیره عربستان، بحرین را اشغال و یکی از شیوخ خود را به حکمرانی این مجمع الجزایر منصوب کردند، اما هنگامی که آغا محمدخان قاجار توانست بنیان سلطنت و اقتدارش را محکم کند، شیخ نصر خان، از رؤسای عشایر طرفدار ایران را به حکومت بحرین منصوب کرد. آغامحمدخان، چند ماه قبل از این که به قتل برسد، در اوایل سال ۱۷۹۷ م، به شیخ نصر خان دستور داد امنیت خلیج فارس را تأمین کند و سلطان مسقط را که به خاک ایران دست اندازی می‌کرد، گوشمالی دهد، اما قتل ناگهانی

پادشاه قاجار این نقشه را هر هم زد و سلطان مسقط، همچنان به تجاوزات خود ادامه داد.

■ **تجاوز گری انگلیس در بحرین**

تا هنگامی که دولت مرکزی قدرتمند بود می‌توانست امنیت خلیج فارس را تأمین کند. انگلیسی‌ها به مداخله گری در خلیج فارس نمی‌پرداختند و فقط در حوزه فعالیت‌های تجاری حضور داشتند، اما با شروع درگیری‌های ایران در جنگ با روسیه تزاری و قدرت گرفتن دزدان دریایی در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، دولت انگلستان به بهانه تأمین امنیت راه دریایی خود به هند، دست به کار شد و رفته رفته قدرت خود را در خلیج فارس گسترش داد. به خصوص آن که دولت ایران، به علت نداشتن نیروی دریایی، قادر نبود هیچ کاری برای جلوگیری از اقدامات تجاوزکارانه انگلیسی‌ها در خلیج فارس و حمایت از اتباع خود در این منطقه انجام دهد. انگلیس علاوه بر حفاظت از نفوذ و منافع بازرگانی خود در منطقه، در صدد بود از نفوذ قدرت‌های استعماری دیگر در خلیج فارس جلوگیری کند؛ چرا که این مسئله، می‌توانست خطر عمده‌ای برای هندوستان باشد. چنان‌که وقتی ناپلئون پس از حمله به مصر، در سال ۱۷۹۸ م، به امید دستیابی به هند، با فتح‌علی شاه‌وارد مذاکره و خواستار ایجاد پایگاهی در خلیج فارس، برای حمله به هند شد، انگلیسی‌ها به وحشت افتادند و با دادن وعده‌های دروغین به فتح‌علی شاه، او را از دادن پایگاه به فرانسوی‌ها منصرف کردند. اوایل سال ۱۸۱۹ م، ناخدا بروس، فرمانده ناوگان انگلیس در خلیج فارس، قرار دادی با حسن‌علی میرزا فرمانفرما، والی فارس امضا کرد که در فرازی از آن آمده بود: «تا وقتی که دولت ایران نتوان حفظ امنیت خلیج فارس را ندارد، این امر بر عهده دولت انگلیس باشد.» به این ترتیب، ایران به طور موقت از یکی از حقوق مهم و مسلم خود در خلیج فارس چشم‌پوشی کرد. در پی امضای این قرارداد، ناوگانی مرکب از شش کشتی جنگی و سه هزار ملوان، از بمبئی عازم خلیج فارس شدند. فرمانده این ناوگان، ژنرال ویلیام گرانث کامپر بود که ابتدارا اس‌الخیمه را با نیروی توپخانه خود فتح و سپس، بقیه شیخ‌نشین‌های جنوب خلیج فارس را بدون برخورد و مقاومت جدی، یکی بعد از دیگری اشغال کرد. پس از خاتمه عملیات، فرمانده نظامی انگلیس با یکایک شیوخ وارد مذاکره شد و در فاصله شش تا یازدهم ژانویه ۱۸۲۰، قرار دادهایی را با شیوخ عرب منعقد کرد که به موجب آن‌ها، شیوخ یازده گانه متعهد شدند دست از جنگ و ستیز با یکدیگر و راهزنی دریایی بردارند. شیخ بحرین نیز، در امضای این قرارداد شرکت کرد و این کار، مقدمه تحت‌الحمایگی انگلستان بر منطقه بحرین شد؛ تا آن‌جا که در ۳۱ مه ۱۸۶۱، طی قرار دادی، مجمع‌الجزایر بحرین که به تازگی در آن نفت کشف شده بود، ر سماتحت الحمایه انگلیس شد و اداره آن در اختیار استعمار گرپبر قرار گرفت. دولت ایران، بلافاصله پس از اطلاع از این قرارداد، به این عمل اعتراض کرد، اما انگلیس به این اعتراض وقعی نگذاشت. انگلیسی‌ها چند سال بعد با کمک رساندن به یکی از نوادگان شیخ بحرین، او را از حکومت بر کنار کردند و فرد مدنظر خود را به قدرت رساندند. به این ترتیب، استحکام پایه‌های نفوذ استعمار انگلیس در بحرین که جزئی از خاک ایران محسوب می‌شد، افزایش یافت.

■ **ژست عوام‌فریبانه**

این وضع تا به قدرت رسیدن پهلوی اول ادامه داشت. در این دوره، دولت ایران، خواستار بازگرداندن اداره جزایر بحرین به ایران شد. اختلاف ایران و انگلیس بر سر جزایر بحرین، در نوامبر ۱۹۲۷ م، به جامعه ملل را جاع شد، اما با توجه به قدرت و نفوذ بریتانیا در ایران و منطقه، به جایی نرسید. برخی تأسیس کشور عراق توسط انگلیسی‌ها و جدا کردن آن از دولت عثمانی و آغاز مناقشات مرزی این کشور با ایران را دلیل به نتیجه نرسیدن دعوی ایران در جامعه ملل می‌دانند، اما

واقعیت این بود که دولت ایران، در آن زمان، توانایی مخالفت با خواسته‌های انگلیس را نداشت و از سوی دیگر، حضور رجال انگلوفیل متعدد، در صحنه سیاست ایران، مانع از هر گونه اقدامی علیه خواسته‌های این دولت استعماری می‌شد؛ ضمن این که، راضا شاه خود بر کشیده بریتانیایی‌ها بود و عملاً نمی‌توانست بر خلاف مواضع آن‌ها، موضعی بگیرد. او حتی قیام کارگران جنوب را که به رفتار ضدانسانی انگلیسی‌ها معترض بودند، در سال ۱۳۰۸ ش، با گلوله و خون‌ریزی به شدت سرکوب و دولت انگلیس از وی به خاطر این اقدام تشکر کرد. به همین دلیل، به نظری می‌رسد، طرح دعوا در جامعه ملل، بیش از آن که یک اقدام عملی برای بازگرداندن حاکمیت دولت ایران بر بحرین باشد، ژستی عوام‌فریبانه بود.

■ **جدایی استان چهاردهم**

اسدا... علم، از افراد بسیار نزدیک به محمد رضا پهلوی، در یادداشت‌های روزانه خود، مورخ ۲۱ فروردین ۱۳۴۹ می‌نویسد: «پس از مسابقه فوتبال... در استادیوم امجدیه (روزشگاه شهید شیرودی فعلی)، ۳۰۰۰ تماشاچی بلند شدند و با هم سرود ملی را خواندند و جشن و سرور تاسحر ادامه پیدا کرد. شاه شانس آورد که کسی از فرصت استفاده نکرد تا در مورد بحرین اظهارات کند. موضوع اخیر به کلی از یادها رفته است. «علم راست می‌گفت، سیاست‌سازانه‌ای رژیم شاه در باره موضوع جدایی بحرین، «سکوت خبری» بود. محمد رضا پهلوی به دلیل درگیر بودن با بحران مشروعیّت، مانند پدرش، باید امنیت و بقای حکومت خود را جایی بیرون از مرزها جست‌وجو می‌کرد. هر چند دولت ایران، پس از پایان یافتن جنگ جهانی دوم، یک بار دیگر موضوع قانونی بودن حاکمیت ایران بر بحرین را مطرح کرد و آن را به سازمان ملل ارائه داد و در ۲۱ آبان ۱۳۳۱ و دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق، بحرین استان چهاردهم ایران نامیده شد. با این حال، این رویکرد، پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، کنار گذاشته شد.

■ **وقتی محمد رضا قافیه را بخت**

شاه گمان می‌کرد که با خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس و با توجه به وضعیت شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس، می‌تواند دست برتر را بگیرد و خود را به عنوان قدرت اول منطقه مطرح کند. بر همین اساس، تصمیم گرفت مطابق با طرح انگلیسی‌ها، با چشم‌پوشی از بحرین، حاکمیت جزایر سه گانه تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی را از آن خود کند؛ جزایری که به لحاظ تاریخی و سیاسی، اصولاً متعلق به ایران بودند و در این مسئله، تردیدی وجود نداشت. از سوی دیگر، انگلیسی‌ها، با استفاده از جال وابسته به خود در ایران، موضوع بی‌اهمیت بودن بحرین برای ایران را شایع کردند. آن‌ها مدعی بودند که ذخایر نفتی بحرین روبه پایان است و تجارت مرورید این منطقه نیز، دیگر رونق گذشته را ندارد. از سوی دیگر، اظهارات سعودی‌ها مبنی بر این که عرب‌ها باید جای نیروهای انگلیسی را در منطقه بگیرند و استقبال از عیسی بن سلمان آل خلیفه (حاکم وقت بحرین) به عنوان یک کشور مستقل در ریاض، باعث بالاگرفتن تنش میان ایران و عربستان شد؛ تنشی که با مداخله انگلیس، خیلی زود پایان یافت. شاه، طی مصاحبه‌ای، به طور ضمنی از استقلال بحرین حمایت و آن را منوط به خواست اهالی این منطقه کرد؛ در حالی که همه می‌دانستند برگزاری همه‌پرسی در این منطقه، افزون بر غیرقانونی بودن آن، کاملاً فرامیاشی است و به نتیجه مطلوب انگلیس و شیوخ عرب می‌انجامد. به این ترتیب و در پی برگزاری همه‌پرسی فرامیاشی، شورای امنیت سازمان ملل متحد، طی قطعنامه شماره ۲۷۸، به تاریخ ۱۸ دیربهشت ۱۳۴۹ که ۱۱/۱۱ مه ۱۹۷۰ م، استقلال بحرین را به رسمیت شناخت. به این ترتیب، استان چهاردهم ایران برای همیشه از مام میهن جدا شد.

دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۱. شماره ۲۱۱۴۷
۱۵ رجب ۱۴۴۴. ۶ فوریه ۲۰۲۳

خراسان روزنامه صبح ایران

آتش خیانت پهلوی بر جان «هامون»



اسدا... علم در خاطر آتش می‌نویسد: «این کابوس مرا در خود فرو می‌برد. مدتی راه رفتم، مدتی فکر کردم، چندین دفعه استعفا از خدمت نوشتم، باز پاره کردم. فکر می‌کردم کار گذشته را استعفا من دوانمی‌کند... تیراز شست گذاشته است، دیگر هیچ. هزار بار به نعیم‌خان درود فرستادم و به دولت لعنت، مرتیکه امثل شیر آمد و نهیدید کرد که اگر می‌خواهید کمک به ما را در گرو آب هیرمند نگاه دارید، ما نمی‌خواهیم و این بدبخت‌ها، آن قدر از چپ‌گرایی افغانستان ترسیدند که همه شیر ابطر اقبول کردند و بالاخره دبشب [ضربه] آخر را زدند. کسی چه می‌داند؟ شاید هم از ارباب‌های نامرئی دستور ارتکاب این خیانت را داشتند... البته این خیانت، ده تا پانزده سال دیگر ظاهر می‌شود که من مردام... «علم از کدام خیانت حرف می‌زد؟ از چه چیز نگران بود؟ ۱۱۰ سال بعد چه اتفاقی قرار بود بیفتد؟ ارباب‌های نامرئی دستور چه کاری را داده بودند؟ مسئله آب هیرمند چه بودو چه اهمیتی داشت؟ رود هیرمند از رودهای پرآب شرق فلات ایران است. این رود از کوه‌های بابا در سلسله جبال «هندوکش» سرچشمه می‌گیرد و پس از طی ۱۱۰۰ کیلومتر و سیراب کردن اراضی مسیر، به دریاچه هامون می‌ریزد. با توجه به شرایط اقلیمی منطقه سیستان در ایران و کمبود نزولات آسمانی، حیات منطقه، پیوندی جدی با حیات دریاچه هامون دارد و در واقع، دریاچه هامون کلیدپایدار ی‌زستی در این منطقه است. پس از جدایی افغانستان از ایران، طبق قرار داد پاریس، افغان‌ها با وجود انعقاد قرارداد ۱۳۱۸ ه.ش، به تعهداتشان درباره تقسیم مساوی آب هیرمند عمل نکردند. به همین دلیل، مناقشه بر سر حقایه ایران از رود هیرمند، همچنان به فوت خود باقی ماند. با بالاگرفتن اختلاف بر سر سهم آب از رود هیرمند، میان ایران و افغانستان، کمیسیون موسوم به دلتا، با مشارکت آمریکایی‌ها برای حل و فصل موضوع تشکیل شد. نتیجه نشست‌های این کمیسیون، انعقاد قرارداد ۱۳۵۱ ه.ش میان ایران و افغانستان درباره حقایه رود هیرمند بود. این قرارداد، پس از کسبرضایت شاه، توسط هویدا امضا شد و در ۱۰ مرداد ۱۳۵۲ ه.ش، به تصویب مجلسین ایران رسید. این همان قراردادی است که علم در خاطر آتش از آن انتقاد کرده است. بانگهای دقیق به منن قرار داد، دلایل مخالفت علم با آن را در می‌یابیم. مطابق قرارداد ۱۳۵۱ ه.ش، از ۵ میلیارد و ۶۶۱ میلیون و ۷۰۰ هزار مترمکعب آب سالانه هیرمند، تنها ۸۱۹ میلیون و ۷۲۹ هزار مترمکعب، آن هم در سال‌هایی که بارش در حد طبیعی و بیشتر بود، به ایران می‌رسید. معنای این تصمیم، کاهش سهم ایران از ۵۰ درصد آب رود هیرمند به کمتر از ۱۴/۵ درصد بود؛ این کاهش حدود ۲۵ درصدی در حقایه ایران طی چند سال، یک فاجعه تمام عیار ایجاد کرد. آیا شاه از این واقعیت مطلع نبود؟ بعید به نظر می‌رسد او از آسبایی که به منطقه سیستان، به واسطه این قرارداد وارد می‌آمد، بی‌اطلاع بوده باشد. علم در خاطر آتش می‌نویسد: «... عرض کردم اینجا اجازه می‌فرمایند به وزیر خارجه ابلاغ کنم مبادله قرار داد را با افغان‌ها به تأخیر بیندازند؟ فرمودند، نه! من گفتم مطالعه کردند، پس از آن که قانون به توضیح من رسیده و اعلان شده، دیگر مبادله نشدن قرارداد تأثیری ندارد. من چنان از کوره در رفتم و گیج شدم که جسارت کرده به عرض رساندم این هم مثل هزاران خلاف که به عرض مبارک می‌سانند، خلاف محض است... شاه کاملاً از مفاد معاهده با خبر بود. او می‌دانست که کاهش ناگهانی در صد قابل توجهی از ورودی آب به دریاچه هامون، چه فاجعه‌ای را در پی خواهد داشت. به این ترتیب، سیستان برای بیشتر فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری خود باید به نزولات آسمانی دل خوش می‌کرد. طولی نکشید که با بروز خشکسالی‌ها، از اوایل دهه ۷۰ شمسی و کاهش شدید بارندگی، خطر نابودی تالاب هامون، بیش از پیش روشن شد و طی کمتر از دو دهه، هفتمین تالاب جهان را به نیستی کشاند.

آگهی مناقصه تأمین ورق کامپوزیت

با توجه به نیاز پروژه آفتاب زرین مشهد به ورق های کامپوزیت ایرانی پرمیوم باند و رینو باند از نوع FR با گرید A2 و B1، بدین وسیله از تأمین کنندگان واجد شرایط دعوت می شود جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ لغایت ۱۴۰۱/۱۱/۲۰ به نشانی: مشهد– بلوار هفت تیر – بلوار کتاب

(ارشاد) – روبروی کتاب ۷ و ۹ – پروژه آفتاب زرین – واحد اداری پروژه مراجعه نمایند.

تلفن تماس برای کسب اطلاعات بیشتر: ۰۳۸۶۴۳۲۷۰ – ۰۵۱ و ۰۷۶۰۷۳۰۹۱۵۳۰

اداره تدارکات و پشتیبانی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار در نظر دارد مناقصه **عملیات اجرایی احداث خانه بهداشت روستای کلاته جع** از طریق مناقصه عمومی و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به نشانی اینترنتی **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.

■ **مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه:** ساعت ۹:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ روز پنج شنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۲۰.

■ **مهلت ارائه پیشنهاد****:** از مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۲۳ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

■ **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ پانصد میلیون ریال(۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) بصورت ضمانتنامه بانکی یا واریز وجه نقد.

■ **شرایط شرکت کنندگان:** کلیه شرکت های واجد شرایط مصرح در اسناد مناقصه

روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار در نظر دارد مناقصه **عملیات اجرایی احداث خانه بهداشت روستای سوزند** از طریق مناقصه عمومی و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به نشانی اینترنتی **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.

■ **مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه:** ساعت ۹:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ روز پنج شنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۲۰.

■ **مهلت ارائه پیشنهاد****:** از مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۲۳ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ روز سه شنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

■ **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ پانصد میلیون ریال(۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) بصورت ضمانتنامه بانکی یا واریز وجه نقد.

■ **شرایط شرکت کنندگان:** کلیه شرکت های واجد شرایط مصرح در اسناد مناقصه

روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه علوم پزشکی سبزوار

آگهی مزایده عمومی کالا های مازاد بر نیاز و اسقاط

آستان قدس رضوی در نظر دارد مقداری از کالا های مازاد بر نیاز و اسقاط خود را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. متقاضیان جهت بازدید و دریافت فرم شرکت در مزایده و برگه پیشنهاد قیمتی می‌توانند از ساعت ۹ الی ۱۲ در تاریخ های۱۴۰۱/۱۱/۱۸ تا ۱۴۰۱/۱۱/۲۱ به مجتمع انبارهای آستان قدس رضوی واقع در مشهد-بلوار چمن- چمن ۸۸ مراجعه و حداکثر تا ساعت ۱۳:۳۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ نسبت به تکمیل و تحویل برگ پیشنهاد قیمت در پاکت دربسته به دبیر خانه معاونت مالی و پشتیبانی سازمان مرکزی آستان قدس رضوی اقدام نمایند.
شایان ذکر است شرکت کننده در مزایده می بایست امکان ارائه سپرده یا ضمانت شرکت در مزایده را متناسب با مبلغ اعلامی در فرم پیشنهاد قیمت داشته باشد. ضمنا شرکت کنندگان می توانند جهت دریافت فرم شرکت در مزایده و مشاهده متن کامل آگهی به سایت **www.dev.razavi.ir** مراجعه نمایند.
شماره تماس ۰۵۱-۳۲۰۱۱۳۱ و ۰۵۱-۳۲۵۱۸۳۹

مدیریت پشتیبانی آستان قدس رضوی